

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

عدالت صحابه

راه یا بیراهه؟

۲ آبان ۱۳۸۶

۱۲ شوال ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله

على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^(۱).

و از آنان امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند چون شکیبایی

نمودند و به آیات ما یقین داشتند .

هدف از ارائه موضوع؛

در سلسله مباحث تفسیر آیات امامت و ولایت فصل جدید و موضوع مهمی را تحت عنوان « عدالت صحابه » مطرح نمودیم . هدف ما از این گفتارها پرده دری ، نبش قبر و آشکار کردن و رسوا نمودن زشتی ها ، بد رفتاری ها و اعمال خلاف شرع برخی افراد و گروههایی نیست که در این مباحث نام آنها برده می شود و هرگز قصد اشاعة فحشاء و نقل و بیان اعمال زشت و سیره ناپسند

۱-سوره سجده، آیه ۲۴ .

برخی از چهره‌های تاریخی را نداریم. هدف ما صرفاً روشنگری، از میان برداشتن و به یک سو نهادن پرده‌های تعصب و جهالت است.

قصد داریم مسلک و مبنای فکری مکتبی را که بر اساس یک سلسله از استدلال‌ات شکل گرفته است بررسی و نقد نماییم؛ به عبارت روشن‌تر سخن در تبیین حق از باطل و آشکار و روشن کردن حق است. البته این کار بسیار مشکل و پیچیده‌ای است؛ زیرا با نحله و مذهبی روبرو هستیم که خود را به اصول مقدسی چون قرآن، عقل، اجماع و سیره رسول الله ﷺ پای بند نشان می‌دهد و اصول خود را متکی و مبتنی بر آیات قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ می‌داند^(۱). این سختی با توجه به بُعد زمانی و فاصله طولانی ما با صدر اسلام و تحریفات فوق العاده در تاریخ آشکارتر می‌گردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام و شناخت حق از باطل؛

به طور کلی تشخیص حق از باطل و جدا کردن سره از ناسره کار مشکلی می‌باشد اما امیرالمؤمنین علیه السلام برای این کار، روش بسیار مهمی را به ما آموزش داده‌اند.

در جنگ جمل، در آغاز حرکت سپاه فردی که مهار مرکب امیرالمؤمنین علیه السلام را در دست داشت به ایشان عرض نمود:

۱- سنت به معنای عام آن شامل اقوال، افعال و تقریرات رسیده از ناحیه رسول الله ﷺ است.

«أيمكن أن يجتمع الزبير وطلحة وعائشة على باطل؟»

آیا امکان دارد که زبیر و طلحه و عایشه [که انتسابشان با پیامبر ﷺ بر

همگان روشن است] بر امری باطل هم رأی و عقیده شوند؟

طلحه و زبیر از مهاجرین و منتسبین رسول الله ﷺ و از قبیله قریش

بودند. عایشه نیز همسر رسول الله ﷺ و دختر ابو بکر بود. سؤال این بود که

چگونه می شود این سه شخص بر باطل باشند؟

امیرالمؤمنین عليه السلام در پاسخ به آن شخص فرمودند:

«إِنَّكَ لَمَلْبُوسٌ عَلَيْكَ الْحَقُّ، إِنَّ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ لَيَعْرِفَانِ بِأَقْدَارِ الرِّجَالِ؟

اعرف الحقّ، تعرف أهله و اعرف الباطل، تعرف أهله»^(۱).

حق و باطل بر تو پوشیده شده است. آیا حق و باطل را با قدر و منزلت

مردان می سنجند؟ حق را بشناس، پیروان آن را خواهی شناخت،

باطل را نیز بشناس تا اهل آن را بشناسی.

امیرالمؤمنین عليه السلام در جای دیگر می فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ»^(۲).

ای مردم! از اینکه رهروان راه هدایت اندک اند به خود هراس راه

ندهید.

۱- امام علی عليه السلام احمد رحمانی همدانی، صفحه ۴۱۵- با اندکی تفاوت در بحار الانوار، جلد

۲۲ صفحه ۱۰۵ از منابع اهل تسنن بنگرید به فیض القدير، جلد ۱ صفحه ۲۷۲.

۲- نهج البلاغه، خطبة ۲۰۱.

پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام امروزه محور بسیاری از دقتها و ظرافت‌های فکری است. «طه حسین» که یکی از نویسندگان مشهور مصری است، در رابطه با این تحلیل امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید:

«فوق كلام المخلوق ودون كلام الخالق»^(۱).

این سخن بالاتر از گفته‌های بشری و پایین‌تر از سخن الهی است. این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام برای همیشه تاریخ راهگشا است؛ زیرا یکی از مشکلات انسانها این است که از چهره‌ها و شخصیتها پیروی و دنباله روی می‌کنند و آن را مبنای حرکت خود قرار می‌دهند و حال آنکه مبنای حرکت و تعیین مسیر برای گام نهادن، افراد و شخصیتها نیست بلکه خود حق و باطل است این در حالی است که شناخت حق و باطل سختی و زحمت فراوان دارد، و باید از عقل و اندیشه‌هایی که پشتوانه و حیانی دارد یاری جست و اندیشه‌های محض بشری نه تنها در این زمینه نمی‌توانند کارگشا باشند بلکه اعتماد و تکیه به آنها در بسیاری از موارد ممکن است موجب گمراهی چند صد ساله مردم یک دیار شود. در جلسه گذشته از زبان ثامن الحجج علیه السلام مقام و جایگاه ائمه اطهار علیهم السلام را بیان نمودیم. در طرف مقابل اهل بیت علیهم السلام عده‌ای دیگر مکتب دیگری باز کرده‌اند که از همان ابتدای تاریخ تا به حال دارای اکثریت هستند و صد البته ما از کثرت و تعداد آنان به هیچ وجه ترس و واهمه‌ای نداریم و می‌خواهیم فارغ از همه

۱- الفتنة الكبرى (علی و بنوه)، صفحه ۴۰.

تفکرات و اعتقادات با آنان یک بحث علمی و فنی نماییم.

ثمرات نظریه عدالت صحابه؛

در گفتار پیشین برخی از آثار و ثمرات نظریه عدالت صحابه را بیان نمودیم، که عبارت بودند از:

۱ - اگر بپذیریم که اصحاب رسول الله ﷺ همه عادل بودند، باید هر کجا شهادتی از آنان یافتیم قبول نماییم؛ زیرا شهادت انسان عادل در تمام جهات مورد استناد و پذیرش قرار می‌گیرد، بر این مبنا اگر صحابه شاهد واقعه‌ای بودند، یا شهادت آنان از راهی مورد اطمینان به دست ما برسد ما باید به آن شهادت گردن نهیم.

۲ - تمام روایاتی که از طریق صحابه به دست ما رسیده است را باید بدون فحص و بررسی بپذیریم و به مفاد آن عمل نماییم، حال آنکه ما در پذیرش روایات ضوابط خاصی داریم از جمله آنکه آیا راوی صادق است یا خیر؟ عقیده‌ای صحیح دارد یا نه؟ و فقط اگر با ادله و براهین ثابت شود که راوی عادل است نیازی به تحقیق نداریم.

۳ - اعمال، افعال و سنتها و سیره صحابه صحیح و درست بوده باشد و هیچ اشکالی نداشته باشد؛ زیرا اگر همه آنان عادل باشند از ایشان عمل نادرست و خلاف شرعی صادر نمی‌شود.

۴ - باید تمام وقایع و حوادث تاریخی صدر اسلام را که پس از در گذشت پیامبر ﷺ اتفاق افتاده است بپذیریم و تأیید نماییم؛ چون تمام آن حوادث یا به دست صحابه صورت گرفته یا مورد تأیید جامعه آن روز بود که اکثراً از صحابه پیامبر ﷺ به شمار می‌رفتند. به عبارت دیگر باید قبول کنیم تمام روشها، منشها و اتفاقات آن دوران صحیح بوده است و هیچ اشکال شرعی و قرآنی بر آنها وارد نمی‌باشد.

پاسخ به دو پرسش:

پیش از آنکه به ادامه بحث پردازیم توجه به دو نکته ضروری می‌باشد:

۱ - صحابه چه کسانی هستند؟ بنا به یک تعریف اهل سنت، هر کس عصر رسول الله ﷺ را به عنوان مسلمان درک کرده باشد حتی اگر با پیامبر ﷺ همسخن نباشد، از صحابه می‌باشد^(۱). در تعریفی دیگر می‌گویند هر کس یک یا دو سال از حیات رسول الله ﷺ را درک نماید از صحابه به شمار می‌رود^(۲). با توجه به این مبنا ابو هریره که دو سال رسول الله ﷺ را درک و از ایشان حدود پنج هزار روایت نقل کرده است را باید جزء صحابه به شمار آورد، و عجیب آن که کسانی در حدود ۲۳ سال خدمت رسول الله ﷺ شرفیاب بودند و از ایشان حدود ۱۰ روایت بیشتر نقل نکرده‌اند.

۲ - عادل به چه کسی می‌گویند؟ در این زمینه مباحث دقیق و عمیقی

۱-۲-الأصابة في تمييز الصحابة، جلد ۱ صفحه ۷.

وجود دارد، اما اهل سنت می‌گویند عادل کسی است که قول او مورد قبول باشد.

استناد به برخی از آیات قرآن کریم؛

اولین و مهمترین مستند اهل سنت برای اثبات عدالت صحابه قرآن کریم است. ما آیات مورد نظر آنان را ابتدا بیان می‌کنیم و سپس با نگاه تفسیری و علمی آن آیات را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا دریابیم آیا آیات مورد تمسک مدّعی آنان را اثبات می‌نماید یا خیر؟

اما آیات مورد استدلال آنان:

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۱).

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها (نیز) از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

وجه استدلال اهل سنت در این آیه این است که به دلیل آنکه خداوند سبحان

۱-سوره توبه، آیه ۱۰۰.

از تمام مهاجرین و انصار خشنود می‌باشد و آنان را جاودانه در بهشت جای می‌دهد در می‌یابیم که همه آنان عادل می‌باشند و این پاداشی است برای آنان .

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (۱).

مسلماناً خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر ﷺ و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود، بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها از حق منحرف شود، سپس خداوند توبه آنها را پذیرفت که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است .

در این آیه خداوند می‌فرماید: ما پیامبر ﷺ ، مهاجرین و انصار را که در لحظات سخت او را همراهی کردند مورد رحمت و مغفرت قرار می‌دهیم، هر چند که نزدیک بود قدم برخی از آنان بلغزد، در نتیجه کسانی که مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار گرفته باشند قطعاً عادل هستند .

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ * وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ

۱-سوره توبه، آیه ۱۱۷.

حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١﴾ .

این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال خود بیرون رانده شوند در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویانند* و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده است احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند، کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند.

این دو آیه مربوط به مهاجرین و انصار می باشد، خداوند متعال در رابطه با مهاجرین می فرماید: آنان برای طلب بخشش و خشنودی خداوند، خداوند و پیامبر ﷺ را یاری می دهند.

و در رابطه با انصار می فرماید: آنان مهاجرین را دوست می دارند و نسبت به آنان ایثار می کنند، در نتیجه آنان رستگارند.

اهل سنت معتقدند با توجه به این دو آیه روشن می گردد که مهاجرین

و انصار که برخی برای خشنودی خداوند و برخی از سر ایثار به نحوی با پیامبر ﷺ همراهی می‌کنند عادل هستند.

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^(۱).

خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می‌دانست، از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود.

خداوند متعال در این آیه رضایتمندی و خشنودی خود را از مؤمنینی که در بیعت رضوان حضور داشتند اعلام می‌نماید و مسلم است که رضایت و خشنودی خداوند فقط به انسانهای عادل تعلق می‌گیرد؛ در نتیجه همه کسانی که در بیعت رضوان حاضر بودند باید عادل باشند.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۲).

۱- سوره فتح، آیه ۱۸.

۲- سوره فتح، آیه ۲۹.

محمد ﷺ فرستاده خداست، و کسانی که با او هستند در برابر کفار سر سخت و شدید و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی و در حالیکه همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجود نمایان است، این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی و ا می دارد این برای آن است که کافران را به خشم آورد! (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

در این آیه خداوند متعال به پیامبر ﷺ و همراهان ایشان وعده آمرزش و پاداش بزرگ داده است به نظر اهل سنت کسانی که در انتظار چنین وعده ای هستند باید حتماً عادل باشند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾^(۱).

شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط

۱-سوره بقره، آیه ۱۴۳.

و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر ﷺ هم بر شما گواه باشد .
 ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾^(۱) .

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید .

اهل سنت می‌گویند مخاطب این دو آیه، صحابه رسول الله ﷺ می‌باشند، که در هنگام نزول آیه وجود داشتند. توصیفات که در این دو آیه از آنان شده است به روشنی نشان می‌دهد که آنان انسانهایی معقول، میانه رو و عادل بوده‌اند .

بیمار دلان در قرآن؛

پیش از آنکه به بررسی تک تک آیات بپردازیم و ببینیم که چه مقدار می‌تواند ادعای اهل سنت را تأیید و اثبات نماید، به مطلبی مهم که به تمام آیات فوق مربوط می‌شود اشاره‌ای می‌نماییم. خداوند متعال در همان روزهای آغازین نزول قرآن کریم و در سوره مدثر^(۲) از گروهی سخن به میان می‌آورد که در پشت پرده نفاق پنهان شده‌اند و به خاطر یک سلسله از اغراض و مقاصد به جمع

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰ .

۲- سوره مدثر، سوره‌ای مکی، و چهارمین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ می‌باشد .

مسلمانان پیوسته‌اند^(۱). سوره مدثر از آیاتی کوتاه، تشکیل شده است که از نشانه‌های سوره‌های مکی به شمار می‌رود اما یکی از آیات آن بلند می‌باشد و در همان آیه خداوند متعال از آن گروه که در صفوف مسلمانان نفوذ کرده‌اند نام می‌برد.

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ﴾^(۲).

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عذاب) قرار دادیم و تعداد آنها (نوزده ملک) را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزایند، و اهل کتاب و مؤمنان در حقانیت این کتاب آسمانی تردید به خود راه ندهند و **بیمار دلان** و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» آری این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست.

۱- مفسرین بزرگوار قرآن یا به این مطلب اشاره‌ای نکرده‌اند و یا برخی بطور گذرا از کنار آن عبور نموده‌اند.

۲- سوره مدثر، آیه ۳۱.

در این آیه از چهار گروه نام برده شده است، ۱ - کفار، ۲ - اهل کتاب، ۳ - مؤمنین، ۴ - بیمار دلان و یا به تعبیر قرآن ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾. یکی از ویژگی‌های تقسیم عدم تداخل است، به این معنا که هر گروه برای خود مستقل است و گروه‌ها و اقسام از هم جدا می‌باشند. در قرآن، بیمار دلان غیر از منافقین اصطلاحی می‌باشند هر چند که با آنان مشترکاتی دارند. منافقین کسانی هستند که به خاطر طمع و یا وحشت به ظاهر اسلام آورده بودند و برخی از آنان مرعوب جو شده بودند و خود را به مسلمانان منتسب می‌کردند.

قرآن و نشانه‌های منافقین؛

خداوند متعال در سوره منافقون برخی از علائم آنان را ذکر نموده است.

۱ - بسیار ترسو هستند.

﴿يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ﴾^(۱).

هر بانگی را بر ضد خویش می‌انگارند.

۲ - تلاش می‌کنند که افراد از پیرامون رسول الله ﷺ دور شوند.

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفُضُوا﴾^(۲).

۱- سوره منافقون آیه ۴.

۲- سوره منافقون، آیه ۷.

آنها کسانی هستند که می گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا ﷺ هستند انفاق نکنید تا پراکنده شوند».

۳ - می گویند اگر به مدینه باز گردیم، مسلمانان را از آن شهر بیرون می کنیم.

﴿يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ﴾^(۱).

آنها می گویند: «اگر به مدینه باز گردیم عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند».

تفاوت منافقین و بیماردلان؛

رهبر منافقین اصطلاحی «عبدالله ابن ابی سلول» بود و دو طایفه اوس و خزرج می خواستند او را در مدینه به سلطنت برسانند، که این امر مصادف شد با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و آنان در این خواسته ناکام شدند^(۲). آنان از ترس، وحشت و مبادا اینکه وضع معیشتی یشان خراب شود تظاهر کردند که اسلام آورده اند. اما بیمار دلان که در آیاتی دیگر از قرآن کریم از آنان نیز نام برده شده است، نه از ترس و وحشت و نه برای زنده ماندن، بلکه با توجه به یک آینده نگری و برنامه حساب شده خود را در میان مسلمانان جای دادند زیرا با

۱-سوره منافقون، آیه ۸.

۲-الوافی بالوفیات، جلد ۱۷ صفحه ۱۱.

اطلاعاتی که داشتند بطور قطع و یقین می‌دانستند که آینده جزیره العرب از آن اسلام و مسلمانان خواهد شد. لذا به ظاهر اسلام آوردند تا بتوانند در آینده‌ای نه چندان دور به اهداف و امیال نفسانی و شیطانی خود دست یابند.

پاسخ منفی رسول الله ﷺ به شرط خلافت؛

اینکه در آینده‌ای نزدیک اسلام جزیره العرب را در خواهد نوردید نیاز به تفکر و تعقل زیادی نداشت؛ به عنوان نمونه پیامبر ﷺ در سالهای آغاز ظهور اسلام از هر فرصتی استفاده می‌کردند و مردم را به آیین اسلام دعوت می‌کردند، روزی پیامبر ﷺ در موسم حج به «بازار عکاظ» که بازاری شلوغ و پر رفت و آمدی بود، رفتند تا مردم را به اسلام دعوت نمایند. در آن جا یکی از بزرگان طایفه بنی عامر را دیدند، وی به پیامبر ﷺ عرض کرد: من حاضریم با شما بیعت نمایم به شرطی که خلافت را پس از خود به من واگذار نمایی. اما پیامبر ﷺ به وی پاسخ منفی دادند و فرمودند:

«ان الأمر إلی الله یضعه حیث یشاء»^(۱).

امر خلافت مربوط به خداوند است آن را هر جا که بخواهد قرار می‌دهد.

همین شرط بزرگان مکه نشان از آن دارد که حتی در آن زمان که اسلام

۱- الغدیر، جلد ۵ صفحه ۲۷۶، از منابع اهل سنت بنگرید به سیره حلبیه، جلد ۲ صفحه ۳.

نهال نوپایی در میان بادهای سهمگین بود احتمال پیروزی و فراگیر شدن اسلام تا حدی بود که اشراف مکه را به تفکر در مورد فردای خود وا داشته بود.

عَلَّتْ مِهَاجِرَتِ يَهُودِيَانِ بِه مَدِينَه؛

یهودیان به طور قطعی و مسلّم می دانستند که پیامبر آخر الزمان در جزیره العرب ظهور می کند؛ با اینکه یهودیان عرب نبودند، اما اکثریت قابل توجهی از یهودیان به جزیره العرب آمده بودند و در اطراف مدینه ساکن شدند. یهودیان دوازده گروه بودند و نسبت به یکدیگر بسیار حسادت می ورزیدند. در این رابطه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ﴾^(۱).

ما آنها را به دوازده گروه که هر یک شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود تقسیم کردیم و هنگامی که قوم موسی عليه السلام (در بیابان) از او تقاضای آب کردند به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن» ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست. آن چنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می شناخت.

۱-سوره اعراف، آیه ۱۶۰.

یهودیان در تورات خوانده بودند که پیامبری در آخر الزمان در سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد، لذا اکثر آنها از مصر و فلسطین به جزیره العرب و مدینه مهاجرت کردند تا بتوانند از قدرت و مکتب اسلام بهره‌مند شوند و به حکومت و سلطنتی دست یابند.

در این رابطه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^(۱).

و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن بر دشمن پیروز گردند) با این همه هنگامی که این (کتاب و پیامبری) را که (از قبل) شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند، لعنت خدا بر کافران باد.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که یهودیان با استفاده از آموزه‌های تورات ظهور دینی فراگیر را در سرزمین حجاز بیش بینی کرده بودند و حتی برای رسیدن به قدرت در این سرزمین از سالها قبل برنامه ریزی کرده بودند. کتاب آسمانی مسیحیان هم خبر از آمدن پیامبری می‌دهد که با دلایل روشن ظهور می‌کند و نام

۱-سوره بقره، آیه ۸۹.

او احمد است. کنار هم گذاشتن این دو خبر، از دو دین پر طرفدار آن زمان و مشاهده وضع آن روز اسلام، دست به دست هم داد تا منافقان و بیمار دلان و حتی مؤمنین به دیگر ادیان آسمانی برای رسیدن به قدرت و مکنّت به طمع افتند و دیار خود را برای رسیدن به این هدف ترک کنند.

پرسشی مهم؛

به طور خلاصه بیمار دلان هیچ گاه اسلام واقعی را نپذیرفتند و برای اینکه در آینده بتوانند از برخی مزایا و امتیازات اسلام بهره‌مند گردند به ظاهر اسلام آوردند و به جمع مسلمانان پیوستند. در قرآن کریم پیش از آنکه نامی از منافقین اصطلاحی برده شود نام بیمار دلان ذکر شده است و نسبت به حضور و نفوذ آنان به مسلمانان هشدار داده شده است.

پرسش اساسی ما از داعیه داران عدالت صحابه این است که آیا مدح و ثنا قرآن کریم از مهاجرین و انصار شامل همه آنان می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پاسخ آنان مثبت باشد به آنان می‌گوییم، مگر بیمار دلان از صحابه نبودند، مگر آنان قبل از هجرت مسلمان نشدند، پس به چه علّت شامل مغفرت و رحمت الهی قرار نمی‌گیرند و مورد لعنت و نفرین الهی واقع شده‌اند؟

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خود آزمایی:

- ① هدف اصلی از طرح بحث عدالت صحابه چیست؟
- ② امیرالمؤمنین علیه السلام در رابطه با بازشناسی حق از باطل چه می‌فرمایند؟
- ③ چه آثار و ثمراتی بر نظریه عدالت صحابه مترتب می‌شود؟
- ④ نتیجه نظریه عدالت صحابه در مورد حوادث صدر اسلام چیست؟
- ⑤ از نظر اهل سنت به چه کسانی صحابه می‌گویند؟
- ⑥ اهل سنت به چه کسی عادل می‌گویند؟
- ⑦ استدلال اجمالی اهل سنت بر عدالت صحابه از آیات قرآن کریم را بیان کنید.
- ⑧ در سوره مدثر از چند گروه نام برده شده است؟ منظور از بیمار دلان چه کسانی هستند و چرا اسلام آوردند؟
- ⑨ برخی از ویژگی‌های منافقین را بنویسید.
- ⑩ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ شخصی که اسلام آوردن را مشروط به در دست گرفتن خلافت نمود، چه فرمودند؟
- ⑪ چرا یهودیان در اطراف مدینه ساکن شدند؟

به سوی معرفت ۲۹

۳۴

به طور خلاصه بیمار دلان هیچ‌گاه
اسلام واقعی را نپذیرفتند و برای اینکه در
آینده بتوانند از برخی مزایا و امتیازات
اسلام بهره‌مند گردند به ظاهر اسلام
آوردند و به جمع مسلمانان پیوستند. در
قرآن کریم پیش از آنکه نامی از منافقین
اصطلاحی برده شود نام بیمار دلان ذکر
شده است و نسبت به حضور و نفوذ آنان به
مسلمانان هشدار داده شده است.
(صفحه ۲۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۲۹

۲۵